



وحشی‌گری آمریکا در بغداد، در پنجمین سالگرد سقوط صدام

نبودند خودباختگانی که تصور می‌کردند آمریکا با گشودن افغانستان و عراق این کشورها را بهشت خواهد کرد و آن وقت به ریش ما خواهد خندید. اما وقتی همین چشم سر را باز کنند، حتی اگر چشم دلشان کور باشد، خواهند دید که آمریکا جهانی برای خود و مردم این دو کشور ایجاد کرده و هر روز شماری از سربازان بدبخت آمریکایی به همراه مشتکی از مردم بیگناه این کشورها در آتش اشغالگری غیر قانونی و غیر انسانی می‌سوزند.

این روزها فاجعه‌های تازه‌ای در بغداد در حال رخ دادن است. شهرک صدر زیر حملات و بمبارانهای وحشیانه آمریکایی‌ها قرار گرفته است. آمریکایی‌ها مدعی هستند کسانی از جیش المهدي را در آنجا زیر هدف می‌گیرند، اما تصاویر مجروحان و کشتگان که توسط خبرگزاری‌ها و سایت‌ها منعکس می‌شود، نشان می‌دهد که زن و مرد، پیر و جوان زیر آتش خشم آمریکایی‌ها قرار گرفته و در حال قتل عام هستند.

اما در واشنگتن، سفیر آمریکا و فرمانده این کشور در عراق، که به کنگره فراخوانده می‌شوند، به جای پاسخ درست به نمایندگان کشور خود، تنها ایران را متهم می‌کنند؛ غافل از آن که اگر عراق شش ماه آرام را پشت سر گذاشته، ناشی از تلاش و مذاکره ایران است و اگر ناآرامی بصره نیز فرو می‌نشیند، باز ناشی از پادرمیانی ایران است که بر خلاف آمریکا که صرفاً به حل مشکلات با گلوله تفنگ و کشتن مردم می‌اندیشد، از نفوذ خود برای جلوگیری از قربانی شدن بیگناهان استفاده می‌کند.

صحبت کردن از این که مجامع بین‌المللی کجا هستند، سخن بی‌خاصیتی است. سالهاست این مطلب گفته می‌شود و هیچ گوش شنوایی وجود ندارد. آمریکایی‌ها به کشتن مردم عادت کرده‌اند. مردم محروم این کشورها نیز این تقدیر شوم را پذیرفته‌اند و چشم و گوش عالم هم پر از این قبیل جنایات است. بنابراین هیچ مشکل و مانعی بر سر راه آمریکایی‌ها و همپیمانان آنان وجود ندارد.

البته جای برخی از دولت‌ها که در فکر پر کردن جیب خود هستند، مانند چین و روسیه خالی است. آنان در حال حاضر عرصه سیاسی و نظامی را برای آمریکا خالی کرده‌اند تا بتوانند بار اقتصادی خود را ببندند و پس از آن که کلفت شدند، از راه دیگری باز هم برای منافع بیشتر دست به معامله با آمریکا بزنند. روسیه این روزها، سیاهترین روزهای خود را دارد؛ زیرا ناتو در حال آمدن تا پشت گوش اوست و پوتین و لاوروف غیر از حرف زدن کاری انجام نمی‌دهند.

در ضمن جای کسانی از دوستان قدیم هم خالی است که دل به دمکراسی غربی سپرده‌اند و چشم جوایز اروپایی را برای حمایتشان از آزادی دارند و همزمان شاهد این قبیل جنایات در عراق و افغانستان هستند. آنان شادمان هستند که فلان انجمن مطبوعات یا به اصطلاح آزادیخواه غربی برای فعالیت‌های آنان به ایشان جایزه می‌دهد، اما توجه ندارند که اگر کلمه‌ای مطلب در انتقاد از غرب بگویند، نه تنها همه این جوایز «هباء منثورا» خواهد بود که به آنان توهین هم خواهد شد.

عجالتاً زمان تاخت و تاز آمریکایی‌هاست؛ اسکندر جدیدی که می‌کوشد تا فتح همه دنیا، همه را زیر پای خود خرد کند، فرهنگ غربی را به عنوان هدیه بیاورد و اسلام را با همه توان، با استفاده از فیلم و تئاتر و ادبیات بکوبد و جوانان و پیران و زنان و مردان و کودکان مسلمان را با سلاح‌هایی که حتی تصورشان برای افرادی مانند ما که فعلاً در جای امن هستیم ناممکن است، بکشد.

بدون تردید نسل‌های آینده تاریخ این روزهای عراق و افغانستان را از سیاهترین روزهای تاریخ بشریت خواهند دانست و بر همه کسانی که آرام گرفته‌اند و مهر سکوت بر لب زده‌اند، نفرین خواهند کرد.

رسول جعفریان